



تیتتر های امر وز



تشدید صف آراییی دموکرات‌ها مقابل ترامپ
نیوسام، فرماندار کالیفرنیا:
ترامپ فاسدترین رئیس‌جمهور تاریخ آمریکاست

فاسدترین در کاخ سفید

صفحه ۷
نگاهی به چرخش بارادایمی در دیپلماسی حمل‌ونقل
و ابعاد راهبردی همایش «ایران کریدور ۲۰۲۶»

نبرد برای تثبیت قدرت لجستیکی

صفحه ۳
تحلیلی بر دلایل خشونت عربان آشوب‌های دی‌ماه

برای اینترنت‌نشال گوش‌نسا‌زیم

صفحه ۲
«وطن امروز» بررسی کرد: چالش‌های پیش‌روی
انقلاب اسلامی و ظرفیت‌های یک جهش تاریخی

تولد دوباره اراده انقلابی

صفحه ۵

طراحی جدید برای مذاکره تکراری

نگاه
مهذب سبقت‌بیزی

اعلام برگزاری دور جدید مذاکرات میان ایران و ایالات متحده در ژنو، بار دیگر معادله پیچیده «دیپلماسی در سایه تهدید» را به کانون توجه بازگردانده است. همزمانی این خبر با اظهارات متناقض مقامات ارشد آمریکا تصویر روشنی از چارچوب راهبردی واشنگتن ارائه می‌دهد: چارچوبی که در آن، زبان توافق و منطق فشار به صورت موازی و هدفمند به کار گرفته می‌شود. اظهارات مارکو روبریو، وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی آمریکا در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ مبنی بر ترجیح دولت آمریکایرای دستیابی به توافق با ایران، در نگاه نخست حامل پیامی مثبت و مبتنی بر تعامل به نظر می‌رسد اما زمانی که این موضع‌گیری در کنار سخنان دونالد ترامپ در ایرفرس‌وان درباره «هتربودن تغییر حاکمیت در ایران» قرار می‌گیرد، تناقضی بنیادین آشکار می‌شود: تناقضی که بیش از آنکه ناشی از اختلاف نظر باشد، بازتاب یک تقسیم نقش حساب‌شده است. یک مقام از در دیپلماسی وارد می‌شود و دیگری از پنجره تهدید سخن می‌گوید پیام نهایی اما واحد است: مذاکره باید در شرایطی انجام شود که سایه فشار همچنان بالای سر آن قرار دارد. این الگو مسبوق به سابقه است. واشنگتن در مقاطع مختلف تلاش کرده با حفظ سطحی از تنش کنترل‌شده، فضای روانی مذاکرات را مدیریت کند و طرف مقابل را به پذیرش امتیازاتی سوق دهد که در شرایط عادی شاید قابل تحقق نبود. اکنون نیز با تشدید تحرکات نظامی، جابه‌جایی نیروها و برجسته‌سازی تهدیدات امنیتی، زمینه‌ای ساخته می‌شود که در آن، «کاهش موقت تنش» خود به عنوان یک امتیاز بزرگ معرفی شود. پرسش اساسی این است: آیا ایران باید این چارچوب را بپذیرد یا با طرحی متفاوت، قواعد بازی را تغییر دهد؟

■ **منطق آمریکایی:** مذاکره به مثابه ابزار تثبیت تهدید درک صحیح رفتار آمریکا مستلزم توجه به منطق راهبردی حاکم بر تصمیم‌سازی در این کشور است. در این منطق، تهدید نظامی الزاماً به معنای قصد فوری برای جنگ نیست، بلکه اغلب ابزاری برای شکل‌دهی به محیط مذاکره و افزایش قدرت چانه‌زنی تلقی می‌شود. وقتی آرایش نظامی تقویت و همزمان پیام‌های دیپلماتیک مخابره می‌شود، هدف آن است طرف مقابل فضایی از نگرانی و عدم اطمینان تصمیم بگیرد. در چنین چارچوبی، اگر ایران صرفاً به کاهش لفظی تهدید یا تعلیق موقت برخی تحرکات نظامی رضایت دهد، عملاً به کارآمدی این ابزار صحه گذاشته است.

ادامه در صفحه ۸

۱- «مکس بلومنتال» روزنامه‌نگار قدری است. سرد و گرم چشیده است. مواضعی که می‌گیرد، نشان می‌دهد که کاملاً دقیق است و بر اساس شواهد و قرائن و مستندات دیگر از اقدامات سلطنت‌طلبان علیه جمهوری اسلامی اشاره کرده؛ راهبرد دروغ‌گویی و جعل اعداد و ارقام. این روزنامه‌نگار آمریکایی روز یکشنبه در شبکه ایکس درباره ادعای سلطنت‌طلبان درباره تعداد جمعیت حاضر در تجمع شنبه در مونیخ نوشت: «طرفداران پهلوی دوباره در حال جعل اعداد هستند». این توثیق بلومنتال نشان می‌دهد حالا اکثر فعالان سیاسی و رسانه‌ای دنیا می‌دانند طیف سلطنت‌طلب متکی به دروغ و جعل واقعیت است. بلومنتال اخیراً نیز در مقال‌ای که در «the Grayzone» منتشر کرد، به دروغ دیگر سلطنت‌طلبان مبنی بر کشته شدن ۳۰ هزار نفر در اغتشاشات تروریستی ایران اشاره و با استناد به شواهد و قرائن ثابت کرد این ادعا از اساس کذب و غیرواقعی است.

۲- سلطنت‌طلبان مدعی‌اند ۲۵۰ هزار نفر در تجمع مونیخ شرکت کرده‌اند. این در حالی است که تصاویر و فیلم‌های منتشر شده از تجمع مونیخ این ادعا را زیر سوال می‌برد. بر اساس برآوردها و محاسبات دقیق از میزان گنجایش محل تجمع، این میدان در بیشترین حالت، ظرفیت ۲۰۰ هزار نفر را دارد. یعنی اگر ادعای سلطنت‌طلبان مبنی بر حضور ۲۵۰ هزار نفر را ملاک قرار دهیم، جمعیت حاضر در تجمع مونیخ، باید همه این میدان و خیابان‌های اطراف را پر می‌کرد. این در حالی است که فیلم‌های منتشر شده

جاعل‌ها در پروژه جعلی

از تجمع روز شنبه سلطنت‌طلبان نشان می‌دهد آنها در بیشترین حالت، حتی نتوانستند ۱۰ درصد ظرفیت این میدان را پر کنند. تصاویر کاملاً واضح و شفاف است. بیش از ۹۰ درصد فضای میدان خالی است. به گونه‌ای که در زمان برگزاری مراسم، برگزار کنندگان از حضار خواستند برای آنکه خالی بودن میدان به چشم نیاید، پراکنده شوند و جاهای خالی میدان را پر کنند. با این وجود تصاویر و فیلم‌ها انقدر واضح و آشکار بود که با این قبیل اقدامات هم نمی‌شد جاهای خالی میدان را پوشاند. طبق برآوردها و محاسبات دقیق و با مقایسه تجمع سلطنت‌طلبان با سایر تجمعاتی که پیش از این در این محل برگزار شده بود، کارشناس معتقدند در خوشبینانه‌ترین حالت، حداکثر ۱۰ هزار نفر در تجمع سلطنت‌طلبان در مونیخ شرکت کردند. با این وجود، در حالی که فیلم‌های منتشر شده از تجمع روز شنبه نشان می‌دهد بیش از ۹۰ درصد این میدان خالی است، سلطنت‌طلبان و رسانه‌های آنان بویژه اینترنت‌نشال، همچنان مدعی‌اند ۲۵۰ هزار نفر در تجمع مونیخ شرکت کرده‌اند. در یکی از فیلم‌هایی که از تجمع روز شنبه مونیخ منتشر شده، یکی از حاضران در این تجمع به رضا پهلوی می‌گوید ۲۵۰ هزار نفر در این تجمع حضور پیدا کرده‌اند. رضا پهلوی نیز با خوشحالی می‌گوید من آخرین آماری که داشتم حدود ۱۰۳ هزار نفر بوده است. این فیلم نیز نشان می‌دهد عددسازی و جعل آمار و ارقام، یک رویه و رفتار ثابت و تثبیت‌شده در بین این جماعت است.

۳- پس از اتفاقات ۱۸ و ۱۹ دی، برخی رسانه‌های معتبر آمریکایی رضا پهلوی را به نقد کشیدند و وی را به خاطر

ادعای اعلام حمایت ۵۰ هزار نیروی نظامی از او، مواخذه کردند. این رسانه‌ها نوشتند ادعای رضا پهلوی مبنی بر اینکه ۵۰ هزار نفر از نیروهای نظامی ایران با او بیعت کرده‌اند، باعث شد طرفداران او در ایران بر اساس این باور در شب‌های ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه به خیابان بروند و بی‌محابا به مراکز نظامی و انتظامی حمله کنند. بر همین اساس این رسانه‌ها معتقدند مهم‌ترین عاملی که باعث کشته شدن طرفداران او شده، اعتماد آنها به دروغ‌پردازی‌های رضا پهلوی بوده است. نکته جالب اینکه حتی برخی رسانه‌های آمریکایی تأکید کردند کاخ سفید با وجود حمایت از پروژه موساد در پروموت کردن رضا پهلوی، به واسطه اطلاع از دروغ‌پردازی‌های او درباره میزان مقبولیت در ایران، ترجیح می‌دهد چندان او را تحویل نگیرد. با این وجود رضا پهلوی، نعتنبا به خاطر این دروغ‌گویی عذرخواهی نکرد، بلکه در تازه‌ترین ادعا گفت ۱۶۰ هزار نفر از عوامل جمهوری اسلامی از او درخواست کرده‌اند از جمهوری اسلامی جدا شوند! دقت کنید! مدعی است ۱۶۰ هزار نفر از نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی از رضا پهلوی خواسته‌اند از جمهوری اسلامی جدا شوند! مشخص است حتی در دروغ‌گویی نیز به طرز ناشایه‌ای عمل می‌کند. البته فهرست دروغ‌های رضا پهلوی به اینجا محدود نمی‌شود. پس از حوادث تروریستی ۱۸ و ۱۹ دی، وقتی از او پرسیده شد «۵۰ هزار نیروی نظامی که مدعی شدی طرفدار تو هستند، کجا بودند؟ مدعی شد: آنها به خاطر خودداری از شلیک به مردم اعدام شدند! یا یک جای دیگر مدعی شد چند هزار نفر از پزشکان و

«نه»ای که یک پروژه سیاسی را زیر سؤال برد

طریق کاخ نپایان بر مردم حکومت کند، به دنبال ابزاری جدید برای اثرگذاری بر مدعالات داخلی ایران گشت. در خأل وجود یک دولت وابسته، پروژه ساخت «اپوزیسیون وابسته» کلید خورد. پس از انقلاب، گروه‌ها و جریان‌هایی که منافع خود را در تضاد با استقلال طلبی ملت ایران می‌دیدند، به دامن قدرت‌های خارجی پناه بردند. تفاوت بنیادین این جریان با یک اپوزیسیون اصیل و ملی، در منشأ قدرت و دامنه عمل آنهاست. اپوزیسیون ملی در هر جای دنیا، متکی به پایگاه اجتماعی داخلی است و برای اصلاح امور کشور تلاش می‌کند اما اپوزیسیون وابسته امروز طیف وسیعی از سلطنت‌طلبان تا گروه‌های تجزیه‌طلب و گروهک تروریست منافقین را شامل می‌شود. حیات و ممات سیاسی خود را به بودجه‌های مصوب کنگره آمریکا، سرویس‌های اطلاعاتی اروپایی و حمایت‌های منطقه‌ای رژیم‌هایی نظیر اسرائیل گره زده است. نکته کلیدی و خطرناک ماجرا دقیقاً همین‌جاست: این جریان سیاسی دقیقاً در دامنه عمل به خواست دشمن کنشگری می‌کند. وقتی دشمن استراتژی فشار حداکثری و تحریم‌های فلج‌کننده را علیه مردم ایران طراحی می‌کند، اپوزیسیون وابسته به جای دفاع از مردم، تبدیل به لابی‌گر تشدید تحریم‌های می‌شود. این سیاست خصمانه را برای افکار عمومی داخل توجیه می‌کند. وقتی دشمن به دنبال انزوای سیاسی ایران است، این جریان تریبون‌های خود را برای سیاه‌نمایی مطلق به کار می‌گیرد. در واقع، اپوزیسیون وابسته امروز همان نقشی را بازی می‌کند که

دولت وابسته دیروز بازی می‌کرد؛ با این تفاوت که دیروز دستورات را در کاخ‌های تهران اجرا می‌کردند و امروز این لندن و واشنگتن به دنبال پیاده‌سازی آن هستند. کارکرد اصلی اپوزیسیون وابسته، تبدیل شدن به بازوی عملیاتی جنگ نرم و جنگ ترکیبی دشمن است. آنها با پمپاژ ناامیدی، تحریف واقعیت‌ها و تشویق به آشوب، سعی دارند هزینه استقلال‌خواهی ملت ایران را بالا ببرند. آنها دیگر منتقد حکومت نیستند، بلکه سرپازان خط مقدم جبهه‌ای هستند که فرماندهی آن در پنتاگون و سیاست‌ها، هر جا دشمن نیاز به مشروعیت‌سازی برای اقدامات خصمانه خود مانند ترور دانشمندان یا حمله نظامی احتمالی دارد، این اپوزیسیون وابسته است که با ادبیات حقوق بشری یا دموکراسی خواهی، جاده‌صاف‌کن آن جنایات می‌شود.

■ فرجام سخن

تاریخ ایران نشان می‌دهد خط وابستگی از بین نرفته،

پرستاران به خاطر خدمت‌دهی به مجروحان آشوب‌های ۱۸ و ۱۹ دی توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند! گاهی اوقات نیز این دروغ‌ها با تخیلات جالبی همراه می‌شود. به عنوان مثال اخیراً او در مصاحبه‌ای مدعی شد در جریان آشوب‌های ۱۸ دی، یکی از طرفداران او که گلوله به فک او اصابت کرده بود، با وجود اصرار کادر پزشکی برای مداوا، بیمارستان را ترک کرد و به خیابان بازگشت و وقتی از او پرسیده شد کجا می‌روی؟ جواب داد: به خیابان می‌روم تا رضا، رهبرم بیاید و به من کمک کند. اینها تنها مواردی اندک از فهرست دراز اکاذیب مضحک رضا پهلوی است. مشخص است دروغ‌گویی و جعل آمار و ارقام، صرفاً یک تاکتیک اعمال‌شده توسط هوداران و رسانه‌های حامی او نیست، بلکه خود رضا پهلوی نیز در پیشانی راهبرد اکاذیب و جعلیات قرار دارد. ۴- با آنکه این ادعاهای کذب و اعداد و ارقام جعلی کاملاً واضح و روشن است اما متأسفانه هوداران رضا پهلوی بسادگی قریب او را می‌خورند. کدام آدم عاقلی که حتی یک بهره هوشی متوسط هم دارد، باور می‌کند ۵۰ هزار نیروی نظامی ایران، مخفیانه بارضا پهلوی بسته‌اند؟ بعد بر اساس این اراجیف، جان خود را به خطر می‌اندازد، به کالانت‌ری و مقر نظامی حمله می‌کند، با این پیش‌فرض که نیروهای حاضر در کالانت‌ری و مقر نظامی، در اصل طرفدار رضا پهلوی هستند و درها را به روی اینها باز می‌کنند؟! این راحتی قریب این دروغ‌های آشکار را می‌خورند؟

ادامه در صفحه ۲

بلکه تنها فرم آن تغییر کرده است. اگر دیروز عزت ملی توسط یک شاه دست‌نشانده حراج می‌شد، امروز این استقلال توسط جریانی تهدید می‌شود که نام خود را مخالف سیاسی گذاشته اما در عمل، پیمانکار پروژه‌های امنیتی سرویس‌های بیگانه است. شناخت این تغییر ماهیت بسیار حیاتی است. همان‌طور که ملت ایران سال ۵۷ با هوشیاری، دولت وابسته را طرد کرد و به زباله‌دان تاریخ سپرد، امروز نیز شرط تداوم استقلال و پیشرفت کشور، شناخت و مرزبندی قاطع با جریانی است که در ظاهر شعار آزادی می‌دهد اما در باطن، آزادی عمل دشمن را در خاک ایران تضمین می‌کند. اپوزیسیون وابسته، نه راهی برای نجات که دامی برای بازگشت به دوران دلتار وابستگی است؛ دورانی که در آن تصمیمات برای ایران، نه در ایران، بلکه در اتاق‌های فکر دشمنان این مرز و بوم گرفته می‌شد.

پيامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

تأمین، نصب و راه اندازی ۵ دستگاه دیزل ژنراتور

در اماکن کمربک جمهوری اسلامی ایران

ارجاع به صفحه ۴

جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور اقتصادی و دارایی

کمبرک ایران